

## تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر حج ابراهیمی؛ با تأکید بر دیدگاه امام خمینی

رضا لک‌زایی<sup>۱</sup>

### چکیده

سؤال اصلی مقاله این است که انقلاب اسلامی ایران، چه تأثیری بر حج داشته است؟ فرضیه و مدعای بحث ناظر بر این مطلب است که انقلاب اسلامی ایران، احیاگر حج ابراهیمی بوده، و امام خمینی علیه السلام توانست حج را اقامه کند. البته نباید از نظر دور داشت که انقلاب اسلامی در نقطه‌ای از جهان، به نام ایران رخ داد و مربوط به مسائل ایران بود؛ اما از آن حیث که حاوی پیامی جهانی بوده است، در بیداری اسلامی و طبعاً در حج، تأثیر داشته و دارد. در این مقاله، تأثیر انقلاب اسلامی ایران در سه حوزه باور، انگیزه و عمل، بررسی و تأثیر انقلاب در این سه سطح نشان داده شده است. در حوزه باور و بینش و اندیشه، انقلاب ایران در واقع، مفهوم توحید را اعتقاد به خدا و نفی طاغوت بازتعریف کرد و از آمریکا به عنوان بزرگ‌ترین مظهر شرک نام برد که در انقلاب ایران هم، شاهد نفی و طرد آمریکا بودیم. در حوزه انگیزه و گرایش در انقلاب ایران، شاهد عشق و نفرت بودیم؛

---

۱. دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و پژوهشگر پژوهشگاه بین‌المللی جامعه المصطفی.

عشق به خوبی‌ها و لشکریان عقل که در رأس آن، امام خمینی قرار داشت و تنفر از بدی‌ها و لشکر جهل که در رأس آن شاه و اربابانش قرار داشتند. در حج هم ما شاهد همین محبت و نفرت و تولا و تبرا هستیم که کلیدواژه مهمی چون اعلان برائت از مشرکین، از آن حکایت دارد.

با تحقق توحید و برائت، وحدت به معنای واقعی کلمه شکل می‌گیرد و مسلمین، جبهه‌ای متحد و منسجم را شکل می‌دهند که پشت به پشت هم علیه دشمنی واحد مبارزه می‌کنند. در حوزه رفتاری نیز مبارزه عملی با روحیه‌ای شهادت‌طلبانه که با تغییر محتوای باطنی انسان‌ها رخ می‌دهد، کلید می‌خورد و با شعار و راه پیمایی و تظاهرات آغاز می‌شود و تا نابودی استکبار جهانی، براساس پیام جهانی «نه ظلم کن و نه مظلوم شو» به پیش می‌رود. بنابراین «برائت»، اصل اساسی و مهمی است که مقوم حج است و در تمام ابعاد حج وجود دارد. لذا حج همراه برائت، حج ابراهیمی و گرفته شده از اسلام محمدی است و حج منهای برائت، حج جاهلی و گرفته شده از اسلام آمریکایی است.

**واژگان کلیدی:** امام خمینی، انقلاب اسلامی ایران، حج، بینش، گرایش، رفتار.

## مقدمه

سؤال اصلی مقاله حاضر، تأثیر انقلاب اسلامی بر حج، در سه بعد بینشی، گرایشی و رفتاری است که متخذ از نظریه امام خمینی در حوزه طبقه‌بندی علوم است و در اینجا به صورت پیش‌فرض تلقی شده‌اند. تلاش می‌شود با استفاده از نظریات امام خمینی به این پرسش، پاسخ داده شود.

بارها این مطلب را شنیده و خوانده‌ایم که رژیم شاه گفته بود روحانیون و خطبا در منابر، درباره سه مطلب حرفی نزنند: شاه، اسرائیل و در خطر بودن دین. حضرت امام خمینی با ذکر همین سه مطلب در - سیزدهم خرداد ۱۳۴۲ - به افشاگری علیه رژیم

پرداخت.<sup>۱</sup> اکنون به حج می پردازیم. از مجموع پیام های امام خمینی به کنگره جهانی حج، چنین استنباط می شود که امام، حکام کشورهای منطقه را چون شاه می پندارد و لازم می داند که ملت ها علیه آنان قیام کنند. ایشان دشمن ملت های مسلمان و مستضعف را هم آمریکا می داند و معتقد است اسرائیل، با پشتیبانی آمریکا کشور فلسطین را غصب کرده و مسلمانان جهان باید در این رابطه حساسیت به خرج بدهند و علیه اسرائیل بسیج شوند و ارتشی صد میلیونی<sup>۲</sup> تشکیل بدهند. درباره دین هم امام خمینی در اواخر دهه شصت، دو کلیدواژه مهم را وارد ادبیات سیاسی جهان نمود: اسلام آمریکایی و اسلام ناب محمدی، و اعلام کرد که دشمن اسلام ناب محمدی، اسلام آمریکایی است و براساس همین اسلام آمریکایی است که حج، امن است بر آمریکایی ها و ناامن است برای ایرانی ها. بنابراین سایر ملل مسلمان، حاکمانی چون حاکم ایران و دشمنی مشترک چون آمریکا و رژیم صهیونیستی دارند. ازسوی دیگر، چنان که حاکم ایران، ادعای مسلمانی داشت، سایر حکام کشورهای اسلامی هم خود را مسلمان می دانند. بنابراین میان موقعیت ایران و وضعیت کشورهای مسلمان دنیا شباهت هایی وجود دارد و هر چه آنها بیشتر از انقلاب ایران اثر پذیرند، به همان نسبت، به آزادی نزدیک ترند. با توجه به این مقدمه کوتاه، اجمالاً روشن شد که سخن گفتن از تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر حج، زیاد هم بیراه نیست، و اگر این مطلب غریب می نماید، از کم کاری و کوتاهی ماست.

از طرف دیگر نباید فراموش کرد که قلب نظریه سیاسی امام خمینی، این است که وی سیاست را نه بخشی از اسلام که «سر» اسلام می پندارد<sup>۳</sup> و نسبت مسائل اجتماعی اسلام

۱. صحیفه امام، امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۴۳.

۲. همان، ج ۱۸، ص ۹۴.

۳. همان، ج ۱۰، ص ۴۴۹.

را به مسائل فردی آن، بیش از صد به یک می‌داند.<sup>۱</sup> بنابراین سیاست، به منزله فصل مقوم اسلام و ذاتی آن است و قابل تفکیک از اسلام نیست و اگر سیاست از اسلام جدا شد، همچون تن بدون سری است که نه تنها بی‌خاصیت است، بلکه خودش منشأ گرفتاری‌ها و مصایب فراوان و دردهای بی‌درمان می‌شود. براین اساس واضح است که نگاه امام به اسلام و مسائل اسلام، از جمله حج، قطعاً دارای ابعاد سیاسی است.

نگاه امام خمینی به حج، مثل نگاه ایشان به قرآن است. ایشان می‌فرماید:

حج پسان قرآن است که همه از آن بهره‌مند می‌شوند. ولی اندیشمندان و غواصان و دردآشنایان امت اسلامی، اگر دل به دریای معارف آن بزنند و از نزدیک شدن و فرورفتن در احکام و سیاست‌های اجتماعی آن نترسند، از صدف این دریا گوهرهای هدایت و رشد و حکمت و آزادگی را بیشتر صید خواهند نمود و از زلال حکمت و معرفت آن، تا ابد سیراب خواهند گشت.<sup>۲</sup>

بنابراین، امام معتقد است همان‌طور که هرکس به فراخور بینش و معرفت خود از دریای بی‌کران و ذی‌بطون قرآن دریافتی دارد، از حج هم دریافت و برداشتی دارد. بنابراین حج هم، دارای بطون و ابعاد مختلف است که به تفسیر، تحلیل و تبیین نیاز دارد؛ همان‌طور که به تعبیر امام خمینی «قرآن مجید، ما را پیروز کرد»<sup>۳</sup>، می‌توان گفت که حج هم مسلمین را در مقیاسی جهانی، به رهبری حضرت ولی عصر<sup>علیه‌السلام</sup>، به پیروزی می‌رساند و این پیروزی، صرفاً جبری و قهری نیست؛ بلکه مطابق فطرت و سرشت بشر است. لذا «ظهور منجی، همچون رسیدن یک میوه است و نه انفجار دمل»<sup>۴</sup> که در مجالی دیگر باید به آن پرداخت.

۱. ولایت فقیه، امام خمینی، بی‌تا، ص ۱۱.

۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۷۶.

۳. همان، ج ۷، ص ۵۹.

۴. ر.ک: مجموعه آثار، استاد شهید مطهری، بی‌تا، ج ۱۸، ص ۱۷۸.

ناگفته نماند که تأثیر، یک امر تدریجی و تشکیکی است، و پیش‌فرض مقاله، این است که انقلاب اسلامی ایران، قطعاً در دنیا و از جمله حج – گرچه بسان پژوهشی آهسته و پرتو نوری در صبحگاه – تأثیر داشته و دارد، بی‌شک از عوامل بیداری اسلامی، انقلاب اسلامی ایران است. پس کلمه تأثیر اینجا به معنای صددرصدی آن نیست، بلکه شاید بیشتر به تأثیری باشد که باید یا می‌تواند، بر حج داشته باشد تا انرژی متراکم آن را آزاد کند و مثل مردم ایران، مردم جهان را از نعمت استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی، بهره‌مند سازد. چنان‌که مقام معظم رهبری فرمودند:

نمی‌گوییم که انقلاب از اول با مخاطب قرار دادن کل بشر آمد؛ نه، انقلاب اسلامی ایران بود. متوجه مسائل ایران بود. متوجه ایجاد تغییرات بنیادی در ایران بود. اما زبان این انقلاب، و پیام این انقلاب، پیامی بود و زبانی بود که نمی‌تواند و نمی‌توانست – به طبع حال – در مرزهای ایران منحصر بماند. یک مفهوم جهانی، یک حقیقت جهانی، یک حقیقت بشری به‌وسیله انقلاب پیام داده شد که هر کسی در دنیا آن را بشنود، احساس می‌کند که به این پیام دل‌بسته است. آن پیام چیست؟ اگر بخواهیم آن پیام را در شکل اجتماعی و انسانی آن در یک جمله بیان بکنیم: مقابله با نظام سلطه است. این پیام انقلاب است. نظام سلطه، نظام تقسیم دنیا به ظالم و به مظلوم است. منطق انقلاب که منطق اسلام است، ﴿لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ﴾<sup>۱</sup> است؛ نباید ظلم کنید و نباید بگذارید به شما ظلم بشود. بنابراین، چالش اساسی انقلاب عبارت است از اینکه انقلاب یک نظم جدیدی را برای بشریت ارائه کرده.<sup>۲</sup>

۱. بقره: ۲۷۹.

۲. بیانات معظم له در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تاریخ ۲۶/۰۶/۱۳۹۲ به آدرس:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=24033> (ملاحظه شده در ۲۷/۰۶/۱۳۹۲).

در حج هم، جریان از همین قرار است که انقلاب ایران را تحت تأثیر قرار داد. با این توضیح، به بحث درباره تأثیر انقلاب اسلامی ایران در حج، در سه بعد پیش، گرایش و رفتار، براساس دیدگاه‌های امام خمینی می‌پردازیم. لازم است این نکته را در ذهن داشته باشیم که این سه بعد، کاملاً باهم رابطه، و در هم تأثیر دارند و از هم جدا نیستند.<sup>۱</sup>

### ۱. تأثیر انقلاب اسلامی ایران در بعد بینشی حج

مراد از بعد بینشی، مطالبی است که - براساس فرمایشات امام خمینی در حدیث بیست و چهارم کتاب شریف شرح چهل حدیث - با لایه عقلی وجود انسان، در ارتباط می‌باشد و شامل اعتقادات، باورها، تفکرات و اندیشه‌های آدمی است. بنابراین به نظر می‌رسد اولین اقدام امام در این حوزه، بازتعریف حج و هدف حج است تا مسلمانان جهان، با هدف و تعریف واقعی و حقیقی حج آشنا شوند و واجد تصور، تفکر و باور صحیحی از هدف حج و تعریف آن گردند.

#### الف) معرفی حج

فیلسوف و فقیه عارف مجاهد، امام خمینی که از مهم‌ترین صاحب نظران در حوزه فلسفه سیاسی اسلامی است، بزرگ‌ترین درد جهان اسلام را درک نکردن فلسفه واقعی بسیاری از احکام الهی می‌داند. از منظر ایشان، حج راز و رمز فراوانی دارد که به صورت عبادتی خشک و یک حرکت بی‌حاصل و بی‌ثمر باقی مانده است.<sup>۲</sup> ایشان فلسفه حج را از

۱. در مقاله «مؤلفه‌های تربیتی حج ابراهیمی در اندیشه مقام معظم رهبری» راجع به این ابعاد توضیح داده شده است. حضرت امام هم در شرح حدیث بیست و چهارم کتاب شرح چهل حدیث، طبقه‌بندی علوم را براساس همین سه مرتبه ارائه داده‌اند.

۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۸۶.

نگاه ناآگاهان و تحلیل گران مغرض، یک عبادت دسته جمعی و سفری زیارتی — تفریحی معرفی می‌کند و سپس خود، به ذکر فلسفه واقعی حج می‌پردازد. از نظر ایشان، فلسفه واقعی حج عبارت از این موارد است: چگونه زیستن، چگونه مبارزه کردن، ستاندن حق مسلمانان و محرومان از ظالمان، چاره اندیشی برای فشارهای روحی و جسمی مسلمانان، نشان دادن مسلمانان به عنوان یک نیروی بزرگ و قدرت سوم جهان (و اکنون، پس از فروپاشی شوروی، قدرت اول یا دوم جهان) و شوراندن مسلمین علیه حکومت‌های وابسته.<sup>۱</sup>

وقتی فلسفه حج، چنین مواردی باشد، مفهوم حج هم باید بازتعریف شود. امام معتقد است که حج، فقط حرکات و الفاظ خشک نیست و کسی هم با الفاظ و حرکات خشک به خدا نمی‌رسد؛ بلکه حج، کانون معارف الهی است که باید از آن محتوای سیاست اسلام را در تمام زوایای زندگی جست‌وجو کرد؛ پیام‌آور و ایجادکننده جامعه‌ای است به دور از رذایل مادی و معنوی، تجلی و تکرار همه صحنه‌های عشق‌آفرین زندگی یک انسان و یک جامعه متکامل است و از آنجاکه جامعه امت اسلامی، از هر نژاد و ملیتی، باید ابراهیمی شود تا به خیل امت محمد ﷺ پیوند خورد و یکی گردد و ید واحده شود، حج تنظیم و تمرین و تشکل این زندگی توحیدی است. حج، عرصه نمایش و آینه سنجش استعدادها و توان مادی و معنوی مسلمانان است.

حج، همچون قرآن است که همه از آن بهره‌مند می‌شدند؛ ولی اندیشمندان و غواصان و دردآشنایان امت اسلامی، اگر دل به دریای معارف آن بزنند و از نزدیک شدن و فرو رفتن در احکام و سیاست‌های اجتماعی آن نترسند، از صدف این دریا گوهرهای هدایت و رشد و حکمت و آزادگی را بیشتر صید خواهند کرد و از زلال حکمت و معرفت آن تا ابد سیراب خواهند گشت و ...

امام در نهایت، حرف آخر را چنین مطرح می‌فرماید: «حج بی‌روح و بی‌تحرك و قیام، حج بی‌برائت، حج بی‌وحدت و حجی که از آن هدم کفر و شرک برنیاید، حج نیست».<sup>۱</sup>

از میان تمام تعابیر پرمایه و مهم فوق که در دو کلیدواژه وحدت و برائت خلاصه می‌شود، عبارت موجز «حج، کانون معارف الهی است که باید از آن محتوای سیاست اسلام را در تمام زوایای زندگی جست و جو کرد» نشان می‌دهد که از منظر امام، حج در کانون «فقه سیاسی» اسلام است و ظرفیت مدیریت و اداره و حل بحران‌های «زندگی سیاسی» انسان معاصر را دارد که باید در رشته «حج‌شناسی» یا رشته «فلسفه حج» پیگیری شود.

#### ب) اعلان برائت

شاید بتوان گفت که کلیدی‌ترین و مهم‌ترین نقطه استراتژیک حج و «مرحله اول مبارزه»<sup>۲</sup> که هم در انقلاب اسلامی ایران و هم در حج پیگیری شد و می‌شود، معرفی دشمن مشترک همه مسلمین و دعوت از مسلمانان برای نفی و ابراز تنفر و نفرت از اوست.

امام خمینی اعلان برائت از مشرکان را از ارکان توحیدی و واجبات سیاسی حج می‌داند و تصریح می‌فرماید که باید «در تجدید میثاق اَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ<sup>۳</sup>، بت آلهه‌ها و اربابان متفرقون<sup>۴</sup> شکسته شود».<sup>۵</sup>

ایشان که نگاهی جامع و صددرصد سیاسی به اسلام و از جمله حج دارد. به حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله که کعبه یادگار آن بزرگواران است، به عنوان

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، صص ۷۶ - ۷۸.

۲. همان، ج ۲۰، ص ۳۱۶.

۳. اعراف: ۱۷۲.

۴. یوسف: ۳۹.

۵. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۱۴.



مبارزان سیاسی و الگوهایی که باید از آنها در مبارزه الهام گرفت، نگاه می‌کند. ایشان مبارزات انبیا و بنیان کعبه را محدود و محصور در مبارزه و درهم شکستن بت‌های سنگی و چوبی نمی‌داند؛ بلکه آنان را چنان‌که قرآن کریم معرفی می‌کند، در صف اول مبارزه با فرعونیان، نمرودیان و ابوجهل‌ها می‌داند که شاهبیت غزل سراسر مبارزه‌شان را از قول ابراهیم خلیل، با کلام ابدی «أَنْتَ بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ»<sup>۱</sup> ابلاغ می‌نماید.<sup>۲</sup> سپس امام، مسلمین را که آهنگ حج نموده‌اند، به پیروی از انبیای الهی فرامی‌خواند و از کاخ سفید، با عنوان «بتخانه‌هایی چون کاخ سیاه» اسم می‌برد که مسلط بر ممالک اسلامی و خون و ناموس مسلمین و جهان سوم است و باید در هم شکسته و نابود شود.<sup>۳</sup>

برهمن اساس امام خمینی، با ظرافت تمام، از زوآر ایرانی که توانسته‌اند نظام شاهنشاهی را ساقط کنند و دست اجانب، به ویژه آمریکا را از کشورشان کوتاه کنند، به عنوان کسانی یاد می‌کند که حقیقت برائت از مشرکان را به نمایش گذاشته‌اند و بت‌های شرق و غرب را در هم شکسته‌اند:

بیت‌الله الحرام و کعبه معظمه، زائران عزیزی را در آغوش می‌کشد که حج را از انزوای سیاسی و انحراف اساسی به سوی حج ابراهیمی - محمدی سوق داده و حیات آن را تجدید می‌نمایند، و بت‌های شرق و غرب را در هم می‌شکنند، و معنای قیام ناس و حقیقت برائت از مشرکان را عرضه می‌دارند.<sup>۴</sup>

نکته دیگری هم که در فرمایش امام وجود دارد، این است که ایشان معتقدند راه علاج انزوا و انحراف سیاسی حج، عمل به اصل اعلان برائت از مشرکان است.

۱. انعام: ۱۹.

۲. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۱۷.

۳. همان.

۴. همان، ج ۱۹، ص ۳۳۴.

امام خمینی با احیای اصل اعلان برائت از مشرکان در حج، با قدرت و صلابت این پرسش‌ها را در معرض افکار مسلمین جهان قرار داد و توانست بر افکار مسلمین جهان - هرچند اندک - اثر بگذارد و آنها را به فکر وادارد؛ چرا آمریکا دشمن اسلام و مسلمانان است؟ برائت از آمریکا چه ارتباطی به توحید و اعتقاد به وحدانیت خدا دارد؟ آیا برائت از مشرکان هم از ارکان توحید است؟ آیا حج، عبادتی سیاسی است؟ آیا اعلان برائت، راه برطرف کردن انحراف سیاسی حج است؟ نمی‌شود کسی به یکتایی خداوند ایمان داشته باشد و آمریکا را هم قبول داشته باشد؟ آیا سیاست، چنان‌که امام خمینی می‌فرماید، سر اسلام است؟ آیا این سخن که اسلام را چه به سیاست، درست است؟ چرا آمریکا دشمن شماره یک جهان اسلام است؟ کسی که ظاهراً مسلمان است، بر کشوری که مردمش مسلمان‌اند، حکومت می‌کند؛ نقش آمریکا در آنجا چیست؟ موضع کشور شما در قبال آمریکا و اسرائیل چیست: اسلامی یا طاغوتی؟ اگر کاخ سفید بتخانه است، باید در هم شکسته شود؟ آیا این‌طور نیست که فرعون‌ها و نمرودها و ابوجهل‌ها هنوز حضور دارند و فقط اسم عوض کرده‌اند؟ چرا ابراهیم خلیل‌الرحمان با نمرود مبارزه کرد؟ آیا می‌توان با آمریکا مبارزه کرد؟ چگونه می‌شود با آمریکا مبارزه کرد؟ آیا ایران با آمریکا مبارزه کرد؟

گفتنی است که باید کافر، مشرک و مظلوم را از مستکبر جدا دانست؛ چنان‌که آیت الله جوادی آملی معتقدند، دیدگاه امام این است که اگر «کافر» از مرز کفرش نگذرد، می‌توان با او زندگی مسالمت‌آمیز داشت؛ چون کافر به خود ستم می‌کند؛ اما «مستکبر» را هرگز نمی‌توان تحمل کرد؛ نه به این دلیل که کافر است، بلکه به این دلیل که به تعبیر قرآن کریم، مستکبر است. قرآن می‌فرماید: با سران کفر بجنگید: ﴿فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ﴾؛ به این دلیل که «إِنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ [انه لا ایمان] لهم»؛ یعنی قدرت‌های استکباری به

قطعنامه‌ها، قراردادهای، سوگندنامه‌ها، پیمان‌ها و تعهدها هیچ احترام و تقیدی ندارند.<sup>۱</sup> بنابراین با سران کفر مبارزه کنید؛ چون مستکبرند و به عهد و پیمان وفادار نیستند. معنای برائت که «اکنون مهم‌ترین خبر در جهان است»<sup>۲</sup>، همین مطلب است. مسئله تولا و تبرا یا برائت، به قدری در تفکر امام جایگاه مهمی دارد که آیت الله جوادی آملی معتقد است، امام خمینی حج منهای برائت را «حج جاهلی»، و حج همراه برائت را «حج ابراهیمی» می‌داند.<sup>۳</sup>

مسئله برائت با مسئله «جدال» که از محرمات حج است، تفاوت دارد. برخی می‌خواهند چنین القا کنند که منظور از «لاجدال» در آیه کریمه «فَلَا رَفَاتٌ وَلَا فُسُوقٌ وَلَا جِدَالٌ فِي الْحَجِّ»<sup>۴</sup> جدال با دشمن را هم دربرمی‌گیرد. لذا نباید در حج، مراسم برائت را برپا کرد. از سوی دیگر، آیه کریمه «وَ أَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ رَسُولُهُ»<sup>۵</sup> بر اعلان برائت از مشرکین در حج دلالت دارد. لذا نمی‌توان به بهانه اطلاق «لاجدال»، دشمنان توحید را هم در مصادیق «لاجدال» داخل کرد. علاوه بر این، این سخن در صورتی گفته می‌شود که حج، خود، مظهر جدال با دشمن است. این جدالی که در برائت هست، جدال با شرک و کفر است و جزو اساسی‌ترین خطوط حیات اسلامی است. براین اساس، آن جدالی که در اجتماع جهانی حج نباید باشد، جدال برادران مؤمن و مسلمان با یکدیگر است. جدال دل‌های معتقد به توحید با یکدیگر است؛ این جدال نباید باشد. علاوه بر جدال زبانی و لفظی، باید تلاش

۱. بیان مرصوص، جوادی آملی، به کوشش محمد امین شاهجویی، ۱۳۸۱، ص ۲۷۵.

۲. همان، ص ۲۷۴.

۳. همان، ص ۲۷۱.

۴. بقره: ۱۹۷.

۵. «و اعلانی است از خدا و رسولش به سوی مردم در روز حج اکبر [عید قربان] که خدا و نیز رسولش از مشرکان بیزار

است» توبه: ۳.

کرد که تنافر و کدورت قلبی هم بین مسلمین وجود نداشته باشد؛ درست عکس آن چیزی که امروز دشمنان اسلام درصدد ایجاد آن در جامعه اسلامی هستند.<sup>۱</sup>

### ج) تفسیر عاشورایی حج

از دیگر ابعاد مهم تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر حج را می‌توان در نشان دادن راه عملی مبارزه با مستکبران، گردنکشان و ظالمان بین‌المللی در کنار مبارزه با هوای نفس دانست. امام خمینی با تفسیر سیاسی قیام الهی یکی از دو سید جوانان اهل بهشت، یعنی حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام خطاب به ملل مسلمان جهان می‌فرماید:

مسلمانان باید با همه امکانات و وسایل لازم به مقابله جدی و دفاع از ارزش‌های الهی و منافع مسلمین برخیزند و صفوف مبارزه و دفاع مقدس خویش را محکم و مستحکم نمایند و به پیروان شیاطین، بیش از این مجال حمله را به صفوف عقیده و عزت مسلمانان ندهند و... همچون سید و سالار شهیدان حضرت ابی‌عبدالله الحسین علیه السلام از احرام حج به احرام حرب و از طواف کعبه و حرم به طواف صاحب بیت و از تَوَضُّؤْ زمزم به غسل شهادت و خون رو آورند و به امتی شکست‌ناپذیر و بنیانی مرصوص مبدل گردند که نه ابرقدرت شرق یارای مقابله آنان را داشته باشد نه غرب که مسلماً روح و پیام حج، چیز دیگری غیر از این نخواهد بود که مسلمانان، هم دستورالعمل جهاد با نفس را بگیرند و هم برنامه مبارزه با کفر و شرک را.<sup>۲</sup>

این عبارات مهم امام خمینی به این معناست که امام حسین علیه السلام با الگوگرفتن از انبیای الهی، برای درهم شکستن بت‌های جاندار قیام کرد. حاجی تو چه می‌کنی؟

۱. با استفاده از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران حج در تاریخ ۲۰/۰۶/۱۳۹۲؛ به آدرس: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23963> (ملاحظه شده در ۱۳۹۲/۶/۳۰).

۲. صحیفه امام، ج ۲۰، صص ۳۱۶ و ۳۱۷.

جواب این پرسش، با وجدان و فطرت حاجی است. بدین ترتیب، امام خمینی با زبان فطرت، مسلمین را به جهاد اصغر در عرصه بین‌المللی، و جهاد اکبر در عرصه خودسازی فرامی‌خواند، و از حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام به عنوان الگویی کامل و راستین نام می‌برد که برای احیای حج، - پس از تبدیل حج به عمره - از کعبه راهی کربلا شد و حرب را به جای حرم برگزید، و خود و نزدیکانش را ابراهیم‌وار به مسلخ برد و قربانی کرد.

امام حسین علیه السلام به جای نوشیدن و وضوگرفتن با آب زلال زمزم، با خون سرخ خود وضو گرفت و احرام شهادت بست و در قربانگاه، نماز عشق اقامه کرد. سیدالشهدا علیه السلام در میدان مبارزه با بت‌های جاندار به رجم و رمی آنان پرداخت. امام حسین علیه السلام در دو عرصه جنگ اکبر و اصغر، به جنگ با مستکبران و زورگویان آن روز قدم گذاشت و برای همیشه به مسلمین درس آزادی و آزادگی داد.

از دیدگاه امام خمینی، مسلمانان با اقتدا به سیره سیاسی سیدالشهدا و غلبه بر شک و شرک و نهراسیدن از مرگ، می‌توانند به قدرتی شکست‌ناپذیر و بلکه قدرت اول دنیا بدل شوند. ناگفته پیداست که امام خمینی، در انقلاب ایران و سپس در دوران هشت سال دفاع مقدس، با کاربردی کردن و عینی نمودن سیره سیاسی حضرت سیدالشهدا، به عیان به جهانیان نشان داد که راه امام حسین علیه السلام و خون پاک نوادگان پیامبر صلی الله علیه و آله، جریان‌ساز است و کسی که به حسین علیه السلام اقتدا کند، هیچ‌گاه زیر بار ذلت نمی‌رود و به آقایی و سیادت دنیوی و اخروی می‌رسد. بنابراین، بر مسلمین جهان است که با اقتدا به حضرت سیدالشهدا برای اصلاح و امر به معروف و نهی از منکر قیام کنند و بر هرچه ترس و شک و شرک است، غلبه کنند و با اقتدا به حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام، حماسه‌ای سیاسی خلق کنند. در این باره، سخن فراوان است که به همین مختصر اکتفا می‌شود.

#### د) تقویت اعتماد به نفس و دمیدن روح خودباوری

اگر ملت و دولتی امکانات و ظرفیت های فراوانی داشته باشد، اما توانایی استفاده از آنها را در خود نبیند و بلکه چشمش به دست بیگانگان باشد و آنها را بهتر و بالاتر از خود بداند، تا ابد وابسته و زبردست می ماند. همه می دانند که بزرگ ترین ذخایر نفت و گاز و دیگر ثروت های روزمینی و زیرزمینی متعلق به جهان اسلام است؛ اما به دلیل عدم خودباوری و ترس و خودکوچک بینی و خودکم بینی و عدم اعتماد به خود و قدرت اسلام، تقریباً هیچ استفاده ای از این امکانات فراوان و خدادادی نمی کنند. امام خمینی با تذکر این نکته حیاتی و مهم به جهان اسلام، از ملت مسلمان و انقلابی ایران، به عنوان نمونه و الگو یاد می کند که با جمعیتی محدود، اما با عزمی بزرگ، اراده ای قوی و مشتی آهنین و با اعتماد به خدای قادر متعال، رژیم طاغوت را با آنکه قدرت های بزرگ از او حمایت می کردند، سرنگون کرد.<sup>۱</sup>

#### ه) توجه به مهدویت

امام خمینی از ظرفیت بی کران سیاسی - توحیدی مهدویت در حج، به خوبی بهره می برد. ایشان براساس استراتژی وحدت، تصریح می فرماید: «مهدی منتظر، به اتفاق همه مسلمین، از کعبه ندا سر می دهد و بشریت را به توحید فرا می خواند».<sup>۲</sup> آنگاه از این نکته چنین نتیجه می گیرد:

ما هم باید از آنها تبعیت کنیم و ندای توحید کلمه را از آن مکان مقدس سر دهیم و با فریادها و دعوت ها و تظاهرات و افشاگری ها و اجتماعات زنده و کوبنده، در مجمع مسلمین در مکه مکرمه، بت ها را بشکنیم و شیاطین را، که در رأس آنها شیطان

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۳۳۴.

۲. همان، ج ۱۸، صص ۷۷ و ۷۸.

بزرگ است، در عقبات رمی کنیم و طرد نماییم تا حج خلیل الله و حبیب الله و ولی الله، «مهدی عزیز» را به جا آورده باشیم.<sup>۱</sup>

در این سخن، چنان‌که ملاحظه شد، امام خمینی مسلمین جهان را به تأسی از مهدی منتظر فرامی‌خواند و اصلاً اسمی از اینکه حضرت متولد شده‌اند یا متولد می‌شوند، نمی‌آورد و با تکیه بر مسلمانات و قطعیات همه مذاهب اسلامی می‌فرماید که باید با تأسی به «ولی الله»، یعنی مهدی عزیز، ابرقدرت زمانمان را که خود بتی بزرگ است و جهانیان را به کرنش و پرستش خود می‌خواند و با زور و زر و تزویر، خود را به آنان تحمیل می‌کند، درهم بشکنیم. در این فراز، هم صحبت از اعتقاد مشترک است و هم صحبت از دشمن مشترک؛ دشمنی که در واقع، بتی بزرگ است و باید با تأسی به پیامبران الهی در هم کوبیده و شکسته شود.

با این نگاه به موضوع مهدویت، می‌توان گفت که اعتقاد مسلمین به مهدویت از پایه‌های اصلی و بنیادین نظریه مردم‌سالاری دینی است. اولاً پیوند سیاست و دیانت - و اینکه اسلام، ذاتاً دینی سیاسی است - را برجسته می‌سازد و از سوی دیگر رکن آن، اعلان برائت و مبارزه با شیطان بزرگ، یعنی آمریکای جهان‌خوار است که نزاعی وجودی با کلمه توحید و توحید کلمه مسلمین دارد.

## ۲. تأثیر انقلاب اسلامی ایران در بعد گرایشی حج

اخلاق، فعل قلب است و قلب، مرکز گرایشات، عواطف، هیجانات، عشق و نفرت انسان است. در این زمینه، مهم‌ترین نکته‌ای که وجود دارد، این است که گرایشات قلبی انسان چه سمت و سویی باید داشته باشد؟ به‌دیگر سخن، چه چیز یا چه کسی باید متعلق محبت و نفرت انسان باشد؟ دوست و دشمن انسان مسلمان چیست یا کیست؟

در پاسخی کلی و اجمالی به این سؤال، چنین می‌توان گفت که جنود عقل و کسانی که مجهز به جنود عقل هستند، محبوب انسان مسلمان اند. و جنود جهل و کسانی که مجهز به جنود جهل هستند، منفور انسان مسلمان می‌باشند و انسان مسلمان باید از آنان بیزاری و براءت بجوید. امام خمینی در کتاب شریف «شرح حدیث جنود عقل و جهل» که در واقع، ترسیم نظام فضایل و رذائل از منظر اسلام است، مفصل در همین باره سخن گفته‌اند و شاخصه‌های جنود عقل و جهل را برشمرده و تبیین نموده‌اند. امام در این کتاب و سپس در بیشتر پیام‌هایی که به کنگره عظیم و جهانی حج ارسال کرده‌اند، کوشیده‌اند دوست و دشمن را به مسلمانان جهان بشناساند و بر همین اساس، گرچه خود پس از انقلاب اسلامی به حج نرفت، حج را با احیای مراسم براءت و معرفی دشمنان خدا احیا نمود. ایشان معتقد است که «باید فضای سراسر عالم را از محبت و عشق نسبت به ذات حق و نفرت و بغض عملی نسبت به دشمنان خدا لبریز کنند».<sup>۱</sup>

امام خمینی خود را مدافع مردم مستضعف می‌داند و تصریح می‌فرماید:

فریاد براءت ما، فریاد براءت همه مردمانی است که دیگر تحمل تفرعن آمریکا و حضور سلطه‌طلبانه آن را از دست داده‌اند و نمی‌خواهند صدای خشم و نفرتشان برای ابد در گلوهایشان خاموش و افسرده بماند، و اراده کرده‌اند که آزاد زندگی کنند و آزاد بمیرند و فریادگر نسل‌ها باشند.<sup>۲</sup>

در این عبارت که نمونه‌های آن در پیام‌های ایشان فراوان است، به خوبی جبهه‌بندی دو جبهه مستکبر و مستضعف و موضع‌گیری خشم و نفرت مستضعفان علیه مستکبران عنوان شده است. امام خمینی بدون هیچ اجمال و ابهامی، صریحاً از آمریکا اسم می‌برد و دولت آمریکا را تالی تلو نظام سیاسی فرعون معرفی می‌کند و او را همچون نظام

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۱۵.

۲. همان، ص ۳۱۸.



طاغوتی فرعون، سلطه طلب می خواند.

امام خمینی بر همین مبنا، حجاج ایرانی را به مدارا با سایر مسلمین و حتی با مأموران آنجا دعوت می کند و از آنان می خواهد که با اخلاق انسانی، اسلامی و نصیحت برادرانه و موعظه حسنه، همه مسلمانان را از اعمال خشونت باز دارند و حتی اگر مخالفان آنان برخلاف دستورات قرآن کریم رفتار کردند، مقابله به مثل نکنند تا در پیشگاه خداوند تعالی آبرومند باشند<sup>۱</sup> و با رفتارهای برادرانه و محبت آمیز، توجه آنان را به انقلاب بزرگ ایران جلب نمایند.<sup>۲</sup>

از دیگر ویژگی های جنود عقل که در اینجا می توان به آن اشاره کرد، شناخت و شجاعت است. معرفت و شجاعت، فعل قلب است و همین خصوصیت است که در کنار محبت و نفرت، به انسان مسلمان مدد می رساند که قدم در میدان مبارزه بگذارد و از تهدید و هیمنه و تبلیغ و عداً و عداً دشمن نهراسد. زهد هم از طرف دیگر، حامی مسلمان است تا فریب زر و ثروت جبهه استکبار را نخورد. زهد یعنی به دنیا دل نبستن. زهد و محبت و شجاعت و اطاعت از رهبری و... عناصری اند که به نحوی پررنگ و چشمگیر در حج حضور دارند و در انقلاب اسلامی ایران نیز به صورت بارز و برجسته بودند.

شاید در کارزار «اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»<sup>۳</sup> زهد، جایگاهی مهم تر داشته باشد و از کلیدواژه های طلایی اخلاق سیاسی به شمار آید؛ چون تا زهد و اعراض از خود به سوی خدا صورت نگیرد، هجرت و محبت و شجاعت و اطاعت از رهبری و... اصلاً محقق نمی شود و تا زمانی که مبارز، اسیر خواسته ها و تمایلات خود و دیگران باشد، قدم از قدم بر نمی دارد؛ چه برسد به آنکه شمشیر از نیام برآورد و وارد میدان نبرد شود.

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۲۹.

۲. همان، ص ۲۷.

۳. نحل: ۳۶.

زهد در حج، ظهور و بروز بی نظیری دارد و در هیچ یک از عبادات، این طور برجسته و پررنگ، خودنمایی و جلوه‌نگری نکرده است. شاید هم به دلیل همین نقش کلیدی و اساسی «زهد» است که در اوایل دعای ندبه، شرط خداوند متعال مطرح شده است:

بعد أن شرطت عليهم الزهد في درجات هذه الدنيا الدنیه و زخرفها و زبرجها، فشرطوا لک ذلک.

با آنان (اولیای) شرط کردی که نسبت به این دنیای فرومایه و زینت‌ها و نقش و نگارهای آن، بی‌رغبت بمانند و آنان، این شرط را بپذیرفتند.

این نکته، اهمیت، جایگاه و نقش زهد را می‌سازد. زاهد، مبارز است. زاهد، شجاع است. زاهد از ملامت غیر در راه خدا نمی‌هراسد. زاهد است که می‌گوید اگر ما را محاصره اقتصادی کردند، فرزند رمضانیم و اگر محاصره نظامی کردند، فرزند محرم. زاهد است که عاشق خداست و چون عاشق خداست، محب مخلوقات خداست. زاهد است که از غیر خدا ابراز برائت و بیزاری می‌کند و از هیچ کس جز خدا نمی‌هراسد. زاهد است که نه تهدید مستکبران بر او اثر دارد و نه تطمیع ثروتمندان و نه عشوه و دلربایی زیبارویان. زاهد است که خود را مسافر کاروان‌سرای دنیا می‌داند و آماده رفتن. زاهد است که به دنبال کارکنان و مدیران شایسته و پاک‌دست است و براساس معیارهای مادی یا گروهی و حزبی، کارگر و کارمند و مدیر و وزیر را به کار نمی‌گیرد. و زاهد است که ...

بنابراین در بعد گرایشی، ارزشی و اخلاقی حج، زهد نقش مهمی دارد که محور محبت و برائت است؛ محبت و برائتی که نه براساس منفعت فردی، حزبی، گروهی و ملی، که در پرتو عشق به خدا جلوه‌گر شده است. در این زمینه هم سخن فراوان است که به همین مقدار مختصر بسنده می‌کنیم.

### ۳. تأثیر انقلاب اسلامی ایران در بعد رفتاری حج

بینش عمیق اعتقادی انسان مسلمان و گرایشات عاطفی و هیجانی او در این بعد، جنبه عینی و عملی پیدا می‌کند. در حوزه رفتاری که فعل بدن است، امام خمینی به نکات مختلف و گوناگونی توجه داده. این نکات در انقلاب اسلامی ایران هم کاملاً مد نظر بوده. اقتصاد از مسائلی است که امام به آن توجه داشته. مبنای دیدگاه امام در این زمینه، مبتنی بر اندیشه و انگیزه ایشان است که پیش از این بحث شد.

امام در انقلاب اسلامی ایران، با تحریم استخراج نفت - مگر به اندازه احتیاج مردم انقلابی ایران - به خوبی توانسته بود رژیم سفاک پهلوی و هم پیمانانش را تحت فشار قرار دهد. ایشان برای مسلمانان جهان هم همین نسخه را می‌پیچد و ضمن آنکه برای چندمین بار، خرید اجناسی که مربوط به آمریکاست و تقویت دولتی را که مخالف آرمان‌های اسلامی و اساساً مخالف اسلام است کمک به دشمنان اسلام، جنایت کاران جنگی و مصداق ترویج باطل می‌داند<sup>۱</sup>، می‌فرماید: «راه پیمایی مکه و مدینه است که بسته شدن شیرهای نفت عربستان را به دنبال دارد»<sup>۲</sup>. لذا امام کاملاً هدفمند مراسم اعلام برائت از مشرکان را که سندی قرآنی دارد، دنبال می‌کند و با آگاهی بخشی به مسلمانان جهان، به دنبال تحقق بخشیدن آن و «آزادی انرژی متراکم جهان اسلام»<sup>۳</sup> است؛ چنان‌که انقلاب ایران هم برپایه چنین راهپیمایی‌ها و فعالیت‌هایی صورت گرفت و باعث سرنگونی نظام سیاسی طاغوت شد.

مطلب دیگر که امام به آن عنایت داشته‌اند، رعایت نظم و ترتیب، آداب و اخلاق اسلامی، هماهنگی و پرهیز از هرج و مرج در راه پیمایی‌ها و کیفیت شعارها بود تا این

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۹۷.

۲. همان، ج ۲۱، صص ۸۳ و ۸۴.

۳. همان، ص ۸۰.

عبادت با عظمت الهی به گناه و خطا آلوده نشود.<sup>۱</sup> در انقلاب ایران هم شعار «می‌کشم، می‌کشم، آنکه برادرم کشت» با لطافت و زیبایی به شعار «ما به شما گل دادیم، شما به ما گلوله» خطاب به برادران ارتشی سر داده شد و تأثیرات عجیبی بر جا گذاشت، و به طور کلی، این تئوری را که انقلاب‌ها پدیده‌ای خشن و خشونت‌بارند، بی اعتبار کرد. لذا محتوای شعارها و نحوه اجرای برائت از مشرکین و بهانه به دست دشمن ندادن و رعایت آرامش و نظم در راه پیمایی‌ها مد نظر امام بود و ایشان با دقت، روش اجرایی نمودن آن را ترسیم فرمود.

شاید ذکر این نکته که نشان از اشراف امام به روان‌شناسی راه پیمایی و روان‌شناسی شعار و اهمیت و جایگاه این مهم دارد، خالی از لطف نباشد. امام خمینی می‌فرماید:

انسان در اجتماعات بزرگی نظیر راه پیمایی‌ها، سریع‌تر و شدیدتر تحت تأثیر واقع می‌شود و ممکن است از خود بی خود و ناخودآگاه، از یک شعار یا فریاد متأثر شود. از طرفی لازم است که اجتماعات حج و راه پیمایی‌ها با آرامش و مسالمت برگزار شود؛ و اگر یک یا چند نفر منحرف جنجال‌انگیز شعاری دهند که با موازین اسلامی وفق ندهد، ولی با ظاهر شورانگیزشان در دیگران تأثیر بگذارند و انحرافی تحمیلی را ایجاد نمایند، بنابراین لازم است که حجاج محترم با دقت به این مسائل توجه داشته باشند و کسانی که کارگردانان راه پیمایی‌های مسالمت‌آمیز هستند، تمام شعارها را با دقت تنظیم کنند.<sup>۲</sup>

اما آیا این تظاهرات‌ها و راه پیمایی‌ها و اعلام برائت‌ها تأثیری هم دارد؟ امام خمینی پس از شهادت حجاج ایرانی در سال ۱۳۶۶ در پیامی آوردند:

برخی تا قبل از حادثه «تلخ و شیرین» حج در سال گذشته، فلسفه اصرار جمهوری اسلامی ایران را بر راه پیمایی برائت از مشرکین، به خوبی درک نکرده بودند و از خود و

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۳۰.

۲. همان، ج ۱۹، ص ۲۹ - ۳۰.

دیگران سؤال می‌کردند که در سفر حج و در آن هوای گرم، چه ضرورتی به راه پیمایی و فریاد مبارزه است؛ اگر فریاد برائت از مشرکین هم سر داده شود، چه ضرری متوجه استکبار می‌شود؟ چه بسا افراد ساده دلی تصور می‌کردند که دنیای به اصطلاح متمدن جهان‌خواران، نه تنها تاب تحمل این گونه مسائل سیاسی را خواهد داشت، که به مخالفان خود، حتی بیش از این هم، اجازه حیات و تظاهرات و راه پیمایی خواهند داد و دلیل این مدعا اجازه راه پیمایی‌هایی است که در کشورهای به اصطلاح آزاد غرب داده می‌شود.

پاسخ امام به این سؤالات این است که [اولاً:] راه پیمایی مکه و مدینه است که بسته شدن شیرهای نفت عربستان را به دنبال دارد و به نابودی سرسپردگان شوروی و آمریکا ختم می‌شود. [و ثانیاً:] درست به همین جهت است که با کشتار دسته‌جمعی زنان و مردان آزاده، از آن جلوگیری می‌شود و در پناه همین برائت از مشرکین است که حتی ساده‌دلان می‌فهمند که نباید سر بر آستان شوروی و آمریکا نهاد.<sup>۱</sup>

بنابراین وقتی راه پیمایی حجاج به گلوله بسته شد، نشان داد که تأثیرات بین‌المللی دارد و منافع جهان‌خواران را به خطر می‌اندازد. این فاجعه، مشروعیت و جایگاه عربستان را به عنوان یک نظام سیاسی و میزبان حریم امن الهی، برای همیشه بی اعتبار کرد و دامن آنها را به چنان ننگی آلوده ساخت که با آب زمزم هم تطهیر نمی‌شود؛ چراکه این عربستان بود که به دستور اربابانش، خون بی‌گناهان را در حرم امن الهی بر زمین ریخت. و گرنه شعار مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل، چه ربطی به عربستان دارد. حکام عربستان، با این جنایت ثابت کردند که منافع آمریکا برایشان مقدس است و آیا مگر غیر از این است که منافع عربستان، با به خطر افتادن منافع شیطان بزرگ تهدید می‌شود؟ بدین ترتیب، دولت عربستان با زبانی فصیح به جهان اعلام کرد که خمینی درست می‌گوید که بت‌هایی بدتر، خشن‌تر، خون‌خوارتر و خطرناک‌تر از لات و هبل در کعبه جای گرفته‌اند.

از سوی دیگر، چهره خشن مستکبران هم به جهانیان نشان داده شد و به دنیا فهماند که برای مستکبران فقط منافع خودشان مهم است و تنها امر مقدس عالم، منافع آنهاست و اگر منافعشان را خطری تهدید کند، به خشن‌ترین کارها دست می‌زنند.

امام خمینی معتقد است برائت از مشرکین، از وظایف سیاسی حج است و بدون آن، حج، حج نیست.<sup>۱</sup> لذا ایشان به دنبال این است که زائران ایرانی مکه مکرمه را با هماهنگی زائران سراسر جهان، به کانون فریاد علیه ستمگران تبدیل کنند.<sup>۲</sup> اما راه تحقق این مهم و ابراز این علامت کدام است و چگونه می‌توان به این مهم دست یازید؟

رمزگشایی امام خمینی از «عید بزرگ اسلامی قربان» پاسخ همین پرسش است. عیدی که انسان‌های آگاه را به یاد قربانگاه ابراهیمی می‌اندازد؛ قربانگاهی که درس فداکاری و جهاد در راه خدای بزرگ را به فرزندان آدم می‌دهد. این پدر توحید و بت‌شکن جهان، به ما و همه انسان‌ها آموخت که قربانی در راه خدا، بیش از آنکه جنبه توحیدی و عبادی داشته باشد، جنبه سیاسی و اجتماعی دارد، و به ما و همه آموخت که عزیزترین ثمره حیات خود را در راه خدا بدهید و عید بگیرید. مکه و منا قربانگاه عاشقان است و محل نشر توحید و نفی شرک؛ که دلبستگی به جان و عزیزان نیز شرک است. به فرزندان آدم، درس آموزنده جهاد در راه حق را داد و در این راه باید از هر چیزی، حتی مثل اسماعیل ذبیح‌الله گذشت تا حق جاودانه شود.<sup>۳</sup> این کلام این عبد صالح خداست که فرمود: «من خون و جان ناقابل خویش را برای ادای واجب حق و فریضه دفاع از مسلمانان آماده نموده‌ام و در انتظار فوز عظیم شهادتم».<sup>۴</sup>

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۲.

۲. همان، ج ۱۸، ص ۹۸.

۳. همان، ص ۸۸.

۴. همان، ج ۲۰، ص ۳۱۸.

### جمع بندی

انقلاب اسلامی، در ایران رخ داد و مربوط به ایران و مسائل ایران بود؛ اما پیام و حقیقت آن جهانی بود. انقلاب اسلامی، نظم نظام سلطه را در ایران نفی کرد و از آن، قلباً و قولاً و عملاً بیزاری جست و نظمی جدید را جای‌گزین آن نمود. پیام فراگیر انقلاب ایران به جهان اسلام و مستضعفان دنیا این بود که نه ظلم کنید و نه ظلم ببینید: ﴿لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ﴾<sup>۱</sup>. همین پیام را امام و زائران، به‌ویژه زائران ایرانی در حج ابراهیمی، با عنوان قرآنی اعلان برائت از مشرکین مطرح، و پیگیری کردند.

از نظر امام، حج، لایه‌ها، سطوح، ابعاد و بطون فراوانی دارد که در این نوشتار، به اختصار به سه سطح معرفتی و اندیشه‌ای، اخلاقی و گرایشی، عملی و رفتاری آن پرداختیم و گفتیم که در هر سه این اضلاع، باید نفی و مبارزه با استکبار را که به جنگ، و فقر و فساد در دنیا دامن می‌زد، زیر نظر قرار گیرد. یعنی در حوزه اندیشه، اعتقاد به توحید و نفی شرک مطرح است که اکنون بزرگ‌ترین مظهر شرک، شیطان بزرگ است. در حوزه اخلاق، تولا و تبرا برجسته می‌شود که در رأس آن نفرت و برائت از آمریکا مطرح است، و در حوزه عمل، اقتدا به انبیا و اولیای الهی و درهم شکستن هیمنه و تفرعن حکومت طاغوت و نظام سیاسی فرعون معاصر، یعنی ایالات متحده مطرح است.

به هر حال آنچه در این مجال و مقال اندک به آن اشاره شد، جای بسط و تکمیل و تفصیل دارد. این‌گونه مباحث نشان از آن دارد که برای شناخت ابعاد گوناگون حج، لازم است که رشته حج‌شناسی تأسیس گردد و اگر تأسیس شده، تقویت و بسط داده شود.

پروردگارا! برترین صلوات و سلام و تحیت خود را بر منجی بشریت در همه اعصار و قرون و برترین پیامبر و برگزیده ات، حضرت محمد بن عبدالله ﷺ نازل فرما، که راه راست

را به بشر نشان داد و وحی تو را بر آنان فرو خواند و کلیدهای سعادت دنیا و آخرت را در دسترس آنان نهاد و در حیات بابرکتش، سرمشق قرن‌های طولانی انسانیت را گنجانید. درود و سلام و تحیت تو بر او و اهل بیت طیب و معصومش، به ویژه حضرت بقیة الله الاعظم، مهدی منتظر و حجت خدا بر زمین [عجل الله فرجه و ارواحنا فداه].<sup>۱</sup>

---

۱. بخشی از پیام حضرت آیت الله خامنه‌ای به کنگره حج، در تاریخ ۱۳۷۰/۳/۲۶؛ به آدرس: <http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=2464> (ملاحظه شده در تاریخ ۱۳۹۲/۶/۲۷).



### کتابنامه

#### \* قرآن کریم

۱. بنیان مرصوص، عبدالله جوادی آملی، به کوشش محمد امین شاهجویی، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۱.
۲. حج در کلام و پیام امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ ششم، ۱۳۸۵.
۳. صحیفه امام، امام خمینی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.
۴. مجموعه آثار، مرتضی مطهری، ج ۱۸، تهران، صدرا، بی تا.
۵. ولایت فقیه، امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی تا.
6. <http://farsi.khamenei.ir>.

